

اخلاق پوهک



قطب‌نمای مسیر اخلاق و تربیت

بسم الله الرحمن الرحيم

يَا مَنْ يَعْلَمُ صَمِيرَ الصَّامِتِينَ



عنوان و نشر: قطب‌نمای مسیر اخلاق و تربیت نکوکار (گروه متنوک)؛ [برای دبیرخانه حمایت از طرح‌های پژوهشی].

مشخصات نشر: قم: مؤسسه فرهنگی هنری اخلاق و تربیت نبوی قم، انتشارات اخلاق و تربیت، ۱۴۰۳.

مشخصات ظاهری: ۲۴۲؛ رقعی

فروست: دبیرخانه حمایت از طرح‌های پژوهشی؛ ۲۶۷.

شابک: ۹۷۸ - ۶۲۲ - ۴۶۸۹ - ۰۳ - ۰

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: جهاد -- جنبه‌های روان‌شناسی
Jihad -- Psychological aspects
جهاد -- جنبه‌های اجتماعی
Jihad -- Social aspects
جهاد
Jihad

شناسه افزوده: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، معاونت پژوهش، دبیرخانه حمایت از طرح‌های پژوهشی

رده‌بندی کنگره: BP۱۹۶/۱

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۳۷۷

شماره کتابشناسی ملی: ۹۹۷۹۴۷۵

www.EAEP.IR

ملت ابراهیم (علیه السلام)؛ اسلام جهادی، تلاش جهادی،

انگیزش جهادی

مؤلف: علی سزاوار

ناشر: انتشارات اخلاق و تربیت

ویراستار: مرضیه نکوکار (گروه متنوک)

صفحه‌آرا: ابراهیم همایی

نوبت چاپ: اول / ۱۴۰۳

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شماره مسلسل انتشار: ۵۰

شماره مسلسل چاپ اول: ۳۹



انتشارات اخلاق و تربیت



دبیرخانه حمایت از طرح‌های پژوهشی

۲۶۷

تمامی حقوق نشر مکتوب اثر متعلق به ناشر است
قم، بلوار شهید صدوقی، خیابان شهید شهبازی، پلاک ۱۳

انتشارات اخلاق و تربیت

تلفن: ۰۲۵- ۳۲۹۳۹۲۵۹

همراه: ۰۹۹۴ ۱۱۸ ۷۷۲۷

www.Akhlaqbook.ir

اخلاق پوک



قطب‌نمای مسیر اخلاق و تربیت



انتشارات اخلاق و تربیت

ملت ابراهیم علیه السلام

اسلام جهادی، تلاش جهادی،

انگیزش جهادی

علی سزاوار

سال ۱۴۰۳

www.Akhlaqbook.ir

اخلاق پوهک



قطب‌نمای مسیر اخلاق و تربیت

فهرست مطالب

سخن ناشر.....	۱۱
پیش از سخن.....	۱۳
مقدمه مؤلف.....	۱۷

فصل اول اسلام جهادی

معیار و سنجۀ ارزش انسان‌ها در قرآن.....	۲۷
واژه‌شناسی جهاد.....	۳۱
اسلام جهادی در قرآن کریم.....	۳۴

فصل دوم تلاش جهادی

مؤلفه‌های تلاش جهادی.....	۴۴
(۱) در راه عقیده و ارزش‌ها.....	۴۵

- ۲) با تمام توان ۴۵
- ۳) هدف بزرگ (و یا سخت) ۴۶
- ۴) در حضور دشمن یا مانع ۴۶
- ۵) خطرپذیری و فداکاری ۴۷
- ۶) عملکرد سریع و بدون توقف و معطلی ۴۸
- ۷) دارای نظم و قاعدهٔ صحیح ۴۹
- ۸) همراهی نصرت الهی ۴۹
- ۹) هدایت الهی ۵۰
- مدل مفهومی تلاش جهادی ۵۰
- تبیین انگیزهٔ تلاش جهادی در رویکردهای اصلی روان‌شناسی ۵۲
- رویکرد زیستی ۵۲
- رویکرد رفتارگرایی ۵۶
- رویکردهای شناخت‌گرایی و شناختی-رفتاری ۵۷
- رویکرد انسان‌گرایی ۵۹

فصل سوم

انگیزش جهادی

- مفهوم‌شناسی انگیزش جهادی ۶۷
- فرهنگ و روحیهٔ جهادی ۶۷
- روحیهٔ انقلابی (انقلابی‌گری) ۶۸
- تفکر بسیجی ۷۰
- مدل مفهومی انگیزش جهادی ۷۱

۷۲.....	عامل اول: بلندهمتی.....
۷۷.....	مؤلفه نخست: خودباوری.....
۸۰.....	مؤلفه دوم: نظم و انضباط.....
۸۴.....	مؤلفه سوم: خطرپذیری.....
۸۸.....	مؤلفه چهارم: شور و شوق.....
۹۱.....	مؤلفه پنجم: پایداری.....
۹۵.....	مؤلفه ششم: امیدواری.....
۹۹.....	مؤلفه هفتم: خلاقیت.....
۱۰۱.....	عامل دوم: تولی-تبری.....
۱۰۴.....	مؤلفه هشتم: ایمان پایدار.....
۱۰۹.....	مؤلفه نهم: اخلاص.....
۱۱۲.....	مؤلفه دهم: ولایت‌مداری.....
۱۲۰.....	مؤلفه یازدهم: غیرت دینی.....
۱۲۵.....	مؤلفه دوازدهم: آمادگی برای فداکاری.....
۱۲۹.....	مؤلفه سیزدهم: روحیه توکل به خدا.....
۱۳۴.....	عامل سوم: بصیرت.....
۱۳۵.....	مؤلفه چهاردهم: درک چالش خصمانه.....
۱۳۹.....	مؤلفه پانزدهم: عقلانیت و تدبیر.....

فصل چهارم

نگاه فرایندی به انگیزش رفتار

۱۴۶.....	عوامل درونی انگیزش.....
----------	-------------------------

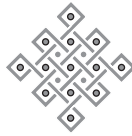
۱۴۷	وضعیت جسمی
۱۵۱	غرایز و وابستگی‌ها
۱۵۵	کارکردهای عقل
۱۵۷	کارکرد گرایشی (قوای نفس)
۱۵۹	کارکرد ادراکی
۱۶۴	کارکرد ارزشی (شناختی)
۱۶۸	عواطف (احساسات) و هیجانات
۱۷۵	کارکرد تصویری
۱۷۷	دلبستگی‌ها و اهداف
۱۸۰	اراده (شوق اکید)
۱۸۱	تحریک فیزیولوژیک
۱۸۳	رفتار
۱۸۶	حالت
۱۸۹	عادت
۱۹۰	ملکه
۱۹۳	عقده‌ها
۱۹۶	عوامل بیرونی انگیزش
۱۹۷	عوامل محیطی
۱۹۸	شرایط
۱۹۸	روابط
۱۹۹	ضوابط
۲۰۰	عوامل معنوی

۲۰۰.....	خداوند و ملائکه
۲۰۳.....	شیاطین
	مدل ارتباط عوامل انگیزش براساس جمع‌بندی نظریه‌های مشهور
۲۰۹.....	روان‌شناسی و منابع اسلامی

فصل پنجم

ارتباط عوامل انگیزشی با انگیزش جهادی

۲۱۳.....	بررسی انگیزش جهادی با استفاده از نظریه‌های کاربردی
۲۱۵.....	انگیزش درونی
۲۱۶.....	نسبت انگیزش درونی و انگیزش جهادی
۲۱۸.....	قالب‌های ذهنی
۲۱۹.....	نسبت قالب‌های ذهنی و تلاش جهادی
۲۲۱.....	خودپنداره و خودطرحواره
۲۲۲.....	نسبت خودطرحواره‌های منفی با تلاش جهادی
۲۲۲.....	احساس کارایی و درماندگی آموخته‌شده
۲۲۴.....	نسبت درماندگی آموخته‌شده با تلاش جهادی
۲۲۴.....	رفتارهای شبه‌جهادی
۲۲۷.....	منابع و مآخذ
۲۲۷.....	کتاب‌ها
۲۳۳.....	مقالات
۲۴۱.....	سایت‌ها
۲۴۱.....	منابع لاتین



سخن ناشر

آموزه‌های اسلامی فرصت زندگی خوب و متعالی را برای انسان‌ها ایجاد کرده است. در طول تاریخ، اسلام شناسان بسیاری در راه تبیین آموزه‌های اسلامی، متناسب با نیازهای جامعه تلاش کردند. با این وجود انقلاب اسلامی، فرصت ویژه‌ای را در اختیار دانشمندان علوم اسلامی قرار داد تا آموزه‌های ناب را از دریای معارف قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام استخراج کنند و در اختیار جامعه علمی و عموم مردم قرار دهند. در این راستا یکی از مهم‌ترین عرصه‌ها، تدوین و ترویج علوم انسانی با رویکرد اسلامی است و امروزه بسیاری از دانشمندان و اسلام‌شناسان دغدغه تدوین علوم انسانی با رویکرد اسلامی دارند.

از اهداف انتشارات اخلاق و تربیت، ترویج محتوای علمی بنیادین و کاربردی در زمینه‌های تربیتی، اخلاقی، عرفانی، روان‌شناسی و مشاوره در جامعه است. در این راستا، پژوهش‌هایی را که با این موضوعات انجام شده باشند، به زیور طبع آراسته کرده و در اختیار جامعه علمی و عموم مردم قرار می‌دهد.



کتاب پیش رو، با عنوان **ملت ابراهیم علیه السلام؛ اسلام جهادی، تلاش جهادی، انگیزش جهادی** نمونه‌ای از این آثار است که با تلاش نویسنده ارجمند جناب آقای علی سزاوار و با حمایت مؤسسه اخلاق و تربیت و معاونت پژوهش مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه نگارش یافته است. انتشارات اخلاق و تربیت، توفیق روزافزون نویسنده محترم این اثر را از خداوند متعال خواستار است.

قم مقدس

انتشارات اخلاق و تربیت

پیش از سخن

زمانی که کار تدوین پایان‌نامه را در بهار ۱۳۹۸ شروع کردم، هرگز فکر نمی‌کردم که قرار است بعد از این چه اتفاقاتی برای من و دنیا بیفتد. تمامی دنیا بیش از دو سال درگیر همه‌گیری مهلکی به نام کرونا شد که به معنای واقعی نظم دنیا را به هم ریخت و از نو ساخت. روسیه وارد درگیری با اوکراین شد و عملاً دنیا بر سر این مسئله دوپاره شد. داغ انسان‌های الهام‌بخشی که تصویری از دنیا بدون آنها نداشتم بر دل‌مان نشست. مجاهد بزرگ و فرمانده رشید سپاه قدس، حاج قاسم سلیمانی به شهادت رسید. دانشمندان بی‌نظیر جهان اسلام آیت الله مصباح‌یزدی چشم از جهان فرو بستند و شهید فخری‌زاده به غافله شهدا پیوست. پس از حماسه هفتم اکتبر مجاهدان حماس، دنیا بیش از یک سال و نیم شاهد جنگ تمام‌عیار اسرائیل برای پایان مسئله فلسطین و دخالت جبهه مقاومت است. رئیس‌جمهور محبوب‌مان (حجت الاسلام رئیسی) در سانحه هوایی به همراه وزیر خارجه مجاهد (امیر عبداللّه‌یان) و امام جمعه تراز (حجت الاسلام آل‌هاشم) و استاندار جوانش (دکتر رحمتی) در حین



خدمت دچار سانحه شدند. دبیرکل افسانه‌ای حزب الله لبنان، سید حسن نصرالله و جانشین برومندش، سید هاشم صفی‌الدین و همچنین رئیس دفتر سیاسی حماس، اسماعیل هنیه و جانشین او، مجاهد بزرگ، یحیی السنوار به شهادت رسیدند. ایران دوبار به اسرائیل حمله کرده و یک بار مورد تجاوز مستقیم بمب‌افکن‌های اسرائیل قرار گرفت. بر اثر نسل‌کشی که اسرائیل در انتقام از حماس (و آتشی که به جان عادی‌سازی روابط با اعراب انداخت و پای تمامی کشورهای مقاومت به آن باز شد) بیش از ۵۰ هزار نفس بی‌گناه، که بیش از ۲۰ هزار نفر آنها کودک بودند، به شهادت رسیدند و بیش از ۸۰ درصد انبیه غزه ویران شده است. حکومت علوی سوریه با توطئه پیچیده‌ای سقوط کرد و کودتاگران کراوات‌بسته ریش‌دراز، پس از تنها چند ماه ریاکاری، چنان قتل‌عام‌ها و جنایات ضد انسانی را رقم زدند که انگشت حیرت حیوانات را نیز بر دهان نشاند. پژواک این اتفاقات موجب تغییرات بزرگی در دنیا شده که اگر سهمگین‌تر از جنگ جهانی نباشد، کمتر از آن نیست.

همه تصویری که در مورد پایان دنیا و استیلای سکولاریسم و لیبرال دموکراسی بر دنیا و آزادی انسان‌ها وجود داشت (و زندگی مجازی بعد از همه‌گیری به آن سرعت داده بود)، رنگ خود را به کلی باخته تا جایی که دیگر تئوریسین‌هایی مثل فوکویاما نیز حاضر نیستند وجهه علمی خود را مسخره دفاع از این جنگل سبعت کنند. مجامع و امت‌ها یکی یکی و گروه گروه از این تفکرات اعلام براءت می‌کنند و دولت‌های مزور، گزینه استراتژی نفاق را از دست داده‌اند و بر سر دوراهی حمایت از نسل‌کشی و جنایت اسرائیل یا همراهی با عواطف انسانی دنیا در حمایت از مردم مظلوم غزه، بدترین روزهای خود را طی می‌کنند.



تا پیش از این، در فضایی که بخش قابل توجهی از توان حوزه‌های علمیه تشیع و اهل سنت معطوف به دعوی با یکدیگر بود (و تا تکفیر هم کشیده می‌شد) چه کسی می‌توانست بگوید معیار مسلمانی در جهاد است و ممکن است شیعه و سنی به خاطر بی تفاوتی به آنچه ورخ می‌دهد راهی دوزخ شوند، در حالی که مسیحی و یهودی در راه دفاع از حق، قبل از آنکه مذهبی در اسلام برگزینند، راهی خلد برین شوند!

استضعاف فکری اکثریت مطلق مردم جهان در محاصره رسانه‌ها و دولت‌های کفر و شرک، در حال رفع شدن است؛ آن هم با قلمی که مرکبش، خون مجاهدان و مظلومانی است که بازماندگان خردسالشان فریاد "حسبنا الله و نعم الوکیل" دارند و اسطوره‌اش تک و تنها، با دست شکسته، تفنگ کلاشینکف بسته شده با چسب برق، صورت پوشانده شده با چفیه قرمز، روی کاناپه خاکی در بین خرابه‌های شمال غزه، تخته پاره‌ای را به سمت چشم تکنولوژی ظلم پرتاب می‌کند و همه داشته‌های جبهه استکبار را به مبارزه می‌طلبد و ناشناس شهید می‌شود، اما یک قدم عقب نمی‌نشیند! ای کاش پیش از آنکه با حربه استکبار در جنگ‌های طائفه‌ای و مذهبی و سرزمینی با یکدیگر توان خود را صرف کنیم، با شناخت درست از اسلام جهادی به جای این همه خودزنی، ید واحدی می‌شدیم و طومار کفر و شرک و نفاق را می‌پیچیدیم. اگر علما و امرای ما، جوانان و عدالت طلبان ما، زنان آزاده و دختران نجیب ما بر آنچه که برای جهاد نیاز است مسلط شوند و آنها را چنانکه باید به کار گیرند، اگر انگیزه‌های مقدس پیشاپیش همه انگیزه‌های دنیوی نصب العین مسلمین و بلکه بنی‌آدم قرار بگیرد، زود است که بساط شرک و کفر و نفاق برچیده شود و عطر اسلام

ناب محمدی، گرداگرد عالم را فراگیرد و جهان آماده شود برای آنکه غبار
قدمش طوطیای چشم ماست و شنیدن صوت داودی قرآنش، نیاز گوش
دل‌ما.

تقدیم به آن دردانه هستی، که فراقش بزرگ‌ترین ابتلای عمر پرفراز و
نشیبم است و اگر پرده غفلت و گناه بر چشمم نمی‌نشست، هر آینه باید
جان بی‌مقدار را سنگ فرش قدمش می‌کردم...

مقدمه مؤلف

یکی از تعابیر مورد استفاده مدعیان جدایی دین از سیاست برای دور نگاه داشتن علمای اسلام از تمامی عرصه‌های زندگی و به‌ویژه حکومت و شئون آن، همچون اقتصاد و سیاست، تعبیر «اسلام حداقلی» است. با آن‌که تعریف دقیقی برای اسلام حداقلی نداریم، همان مجموعه احکام فردی اسلام است، آن‌هم با نگاهی همراه با تسامح که شاید چیزی شبیه نگاه مُرجئه^۱ باشد. در پاسخ به نگاه حداقلی به دین، که گاه در افواه سیاسیون

۱. مُرجئه از مذاهب کلامی اهل سنت است که معتقدند حساب ایمان و عمل از یکدیگر جدا است و ارتکاب به گناهان کبیره تأثیر منفی بر ایمان و عاقبت افراد ندارد. برپایه این اعتقاد، مسلمانی که مرتکب بزرگ‌ترین گناهان می‌شود همچنان مؤمن به‌شمار می‌رود و در آخرت عذاب نخواهد شد. ائمه شیعه مرجئه را لعن کرده و آنان را شریک قاتلان اهل بیت علیهم‌السلام دانسته‌اند. مُرجئه خود به فرقه‌های مختلفی همچون جبریه، قدریه، و مرجئه الفقها تقسیم می‌شود. مُرجئه برای اثبات مدعای خود به آیات و روایاتی استناد می‌کنند که دلالت بر بخشیده شدن همه گناهان به‌جز شرک دارند. مخالفان مُرجئه معتقدند برداشت این افراد از این منابع دینی اشتباه است و نمی‌توان ارتباط موجود بین ایمان و عمل را انکار ←



نیز برای جلب آرای قشر غیرمذهبی و توجیه جهت‌گیری‌های به اصطلاح علمی در برابر دینی، به‌ویژه در سیاست، مطرح می‌شود، رهبر معظم انقلاب تعبیر اسلام حداکثری را مطرح کرده‌اند که ناظر به لزوم التزام به تمامی ابعاد اسلام برای تضمین سعادت فرد و جامعه است. ایشان ضمن بیانات خود در جمع نمایندگان مجلس خبرگان به تفصیل به شرح این مفهوم پرداخته‌اند:

آنچه ما از مجموع معارف قرآنی استفاده می‌کنیم و درمی‌یابیم این است که مطالبه اسلام از مسلمین ایجاد نظام اسلامی به نحو کامل است. مطالبه اسلام تحقق کامل دین اسلام است. این آن چیزی است که انسان در مجموع آن را احساس می‌کند.

دین حداقلی و اکتفای به حداقل‌ها از نظر اسلام قابل قبول نیست. ما در معارف خودمان چیزی به عنوان دین حداقلی نداریم، بلکه در قرآن کریم در موارد متعددی اکتفای به بعضی از تعالیم دینی دون بعضی مذمت شده است. [آیه] «الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضًا»^۱ یا آیه شریفه «وَيَقُولُونَ نُوْمِنُ بِبَعْضٍ وَنُكْفِرُ بِبَعْضٍ»^۲، که مربوط به منافقین است، اشاره به همین است. حتی برخی از بخش‌های دین، که خیلی برجسته است - مثل اقامه قسط - هم کافی نیست که انسان

→ کرد. تفکر مُرجئه به حکومت بنی‌امیه مشروعیت داد و آن‌ها نیز از این فرقه حمایت کردند. با افول بنی‌امیه، فرقه مُرجئه به حاشیه رانده شد و در نهایت اثری از آن باقی نماند، اما تفکر این فرقه در قالب فرقه‌های دیگر به حیات خود ادامه داد.

۱. حجر، ۹۱: «همان‌ها که قرآن را تقسیم کردند آنچه را به سودشان بود پذیرفتند، و آنچه را برخلاف هوس‌هایشان بود رها نمودند.»

۲. نسا، ۱۵۰: «کسانی که خدا و پیامبران او را انکار می‌کنند و می‌خواهند میان خدا و پیامبرانش تبعیض قائل شوند و می‌گویند به بعضی ایمان می‌آوریم و بعضی را انکار می‌کنیم و می‌خواهند از میان این دو، راهی برای خود انتخاب کنند.»



دل خود را خوش کند که ما حالا دنبال اقامه قسطیم و اقامه قسط خواهیم کرد. پس اسلام تحقق پیدا کرد. نه، این نیست. بله، مسلماً اقامه قسط در جامعه یک قلم مهم است.

از این آیه شریفه در سوره مبارکه حدید «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»^۱ این جور به نظر می‌رسد در بادی امر که هدف از ارسال رسل و انزال کتب و معارف الهی اقامه قسط است که حالا این جمله «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» را هر جور معنا کنیم - چه به این معنا بگیریم که «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» یعنی «لِيُقِيمَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» که مثلاً «با» را «بای تعدیه» بگیریم؛ که این وظیفه مردم است که در محیط زندگی خودشان اقامه قسط کنند. یا نه، «بای تسبیب» که «لِيَقُومَ النَّاسُ بِسَبَبِ الْقِسْطِ»؛ یعنی با قسط با مردم [رفتار کنیم]. هر کدام از این دو معنا یا معانی احتمالی دیگری که وجود دارد اگر در نظر گرفته بشود - اهمیت اقامه قسط را در جامعه روشن می‌کند، لکن این بدین معنا نیست که شارع مقدس از ما قبول می‌کند که ما، مثلاً، اکتفا کنیم به اقامه قسط و همه همت خودمان را بگذاریم برای این که اقامه قسط بشود، ولو برخی از احکام دیگر اسلام، مثلاً، مورد بی‌توجهی قرار بگیرد. نه، آیه شریفه می‌فرماید که «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ»^۲؛ یعنی انتظاری که خدای متعال از متمکنین در ارض دارد این است که اولش «أَقَامُوا الصَّلَاةَ»

۱. حدید، ۲۵: «ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آن‌ها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم به عدالت قیام کنند و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منافع برای مردم است تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می‌کند بی‌آن که او را ببینند. خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است.»
۲. حج، ۴۱: «همان کسانی که هرگاه در زمین به آن‌ها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و پایان همه کارها از آن خدا است.»

بعد «وَأَتُوا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» [است]. این جور نیست که اگر ما به قسط توجه می‌کنیم، حق داشته باشیم که از اقامهٔ صلوات و اهمیت دادن به صلوات یا به زکات یا به امر به معروف و نهی از منکر غفلت کنیم، بلکه «أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»^۱، که چندین بار این لفظ و این مضمون در قرآن تکرار شده، نشان می‌دهد که اصلاً خدای متعال پیغمبران را فرستاد برای توحید، برای اجتناب از طاغوت، برای عبودیت خداوند؛ اساس کار این است. یا وصیتی که خدای متعال در آن آیهٔ شریفهٔ سورهٔ شوری، به نوح و به ابراهیم و به موسی و به بقیه کرده است: «أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ»؛ آن‌که مورد نظر است اقامهٔ دین است؛ یعنی همهٔ دین را باید اقامه کرد: «وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ»^۲؛ یعنی همهٔ دین - همهٔ اجزا و همهٔ ارکان دین - مورد توجه است و معارض اصلی هم در مقابل این حرکت و این رویکرد - یعنی اقامهٔ دین بتمامه، بجمع اجزائه، بکله - عبارت‌اند از قلدرهای عالم، مستکبران عالم: «كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ»؛ آنچه تو به آن دعوت می‌کنی، برای مشرکین (گران است).» یا در آیهٔ شریفه در اول سورهٔ مبارکهٔ احزاب: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ

۱. نحل، ۳۶: «و همانا ما در میان هر امتی پیغمبری فرستادیم که خدای یکتا را پرستید و از بتان و فرعونان دوری کنید.»

۲. رعد، ۲۷: «خدا شرع و آیینی که برای شما مسلمانان قرار داد حقایق و احکامی است که نوح را هم به آن سفارش کرد و بر تو نیز همان را وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی هم آن را سفارش کردیم که دین خدا را برپا دارید و هرگز تفرقه و اختلاف در دین نکنید. مشرکان را که به خدای یگانه و ترک بتان دعوت می‌کنی (قبولش) بسیار در نظرشان بزرگ می‌آید. (باری از انکار آن‌ها میندیش که) خدا هر که را بخواهد به سوی خود (و مقام رسالت خویش) برمی‌گزیند و هر که را به درگاه خدا به تضرع و دعا بازآید هدایت می‌فرماید.»



اللَّهُ وَلَا تُطْعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا^۱؛ یعنی هم علیم است خدای متعال که احاطه علمی دارد به تمام اجزا و ذرات عالم و سازوکار زندگی ذرات و هم حکیم است؛ با حکمت راه تو را در این مجموعه مشخص کرده و باید دنبال کنی. «وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا»^۲ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا^۳؛ در مقابله با این حرکتِ تو دشمنی وجود خواهد داشت.^۳

با توجه به این نوع نگاه، که براساس در نظر گرفتن تمامی معارف اسلامی است، انسان در مقام عضوی از جامعه، ازسویی به صورت فردی، به دنبال سعادت خویش می‌رود و ازسوی دیگر با علم به تأثیر جامعه در سرنوشت تک‌تک افراد، به دنبال اصلاح جامعه (خانواده، دوستان، مجامع، و حکومت) است. در نتیجه هم سعادت فرد تضمین می‌شود و هم بستر لازم برای سعادت جامعه فراهم می‌شود.

انسان فقط وقتی می‌تواند درباره عاقبت خود آسوده‌خاطر باشد که، با تمام توان خود، به تمامی دستورات دینی در سطح فردی و اجتماعی عمل کند یا به تعبیر دیگر، در همه شئون زندگی مسلمان باشد و اسلامی عمل کند، یعنی نه تنها باید عابد و زاهد باشد، در معامله نیز باید مسلمان باشد،

۱. احزاب، ۱: «ای پیامبر، تقوای الهی پیشه کن و از کافران و منافقان اطاعت مکن که خداوند عالم و حکیم است.»

۲. احزاب، ۲ و ۳: «و از آنچه ازسوی پروردگارت به تو وحی می‌شود پیروی کن که خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. و بر خدا توکل کن و همین بس که خداوند حافظ و مدافع (انسان) باشد.»

۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، در تاریخ

۱۳۹۳/۱۲/۲۱ (https://farsi.khamenei.ir).

در جنگ نیز مسلمان باشد، در ارتباط با محیط‌زیست نیز مسلمان باشد، در خانواده نیز مسلمان باشد، در کار و تشکیلات سازمانی نیز مسلمان باشد، و نهایتاً در حکومت‌داری و شهروندی نیز مسلمان باشد. هر انسانی باید توان خود را برای درک کامل از دین و انجام دادن امور دینی معطوف بدارد. البته چنین امری به معنای آن نیست که همه باید همچون ائمه اطهار (علیهم‌السلام) به عصمت برسند، بلکه میزان امکانات در دسترس و شرایط زندگی و استعدادهای هرکسی موجب تفاوت او با دیگران می‌شود، همان‌گونه که خداوند فرموده‌اند: «لَا يَكُفُّ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ؛ خداوند هیچ‌کس را جز به اندازه توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند. انسان هر کار (نیکی) را انجام دهد، برای خود انجام داده و هر کار (بدی) کند، به زیان خود کرده‌است.»^۱ اما همین که بر طی این مسیر همت گمارد و نهایت تلاش خود را به کار بندد، در راه سعادت گام برداشته است و در جریان مواهب الهی، مثل هدایت قرار می‌گیرد که هر نقطه از این مسیر، سعادت است. انسان باید با برنامه‌ریزی واقع‌بینانه و با در نظر گرفتن وجود موانع سخت و دشمنانی که به دنبال متوقف کردن او در مسیر و حتی بازگرداندنش از این مسیر هستند و با توکل بر خدای متعال در این راه قدم بگذارد. این واقع‌بینی لوازمی دارد که از جمله آنان می‌توان به لزوم تدبیر و همکاری با دوستان و اولیا در طی مسیر سخت اشاره کرد. درواقع سرنوشت فرد مسلمان ارتباط تنگاتنگی با روابط اجتماعی او دارد، زیرا جاده زندگی و راه عبادت خداوند مسیری است که از میان جامعه و روابط اجتماعی می‌گذرد.



البته براساس آنچه در فصل پایانی می‌آید، مشخص می‌شود که در راه رسیدن به سعادت، تناسب میان محیط پیرامونی فرد (جامعه) و درون فرد یکی از مؤلفه‌های سعادت‌مندی است و شاید به استنادات قرآنی و روایی گفته‌شده برای درک این موضوع نیازی نباشد، اما تقارن این معارف با برداشت‌های روان‌شناسی از انسان می‌تواند مقوم این نوع نگاه شده و انگیزه بیشتری برای پیگیری لوازم آن ایجاد کند.

درک دقیق وظیفه و مسیر انسان در همه این موقعیت‌ها برای رسیدن به قله انسانیت نیازمند شناخت ارزش‌های اسلامی است. اگر شناخت دقیق و درستی از قله انسانیت از دیدگاه اسلامی نداشته باشیم، نه می‌توانیم تصویری از مسیر سعادت داشته باشیم و نه می‌توانیم برای خود، دیگران، و جامعه برنامه‌ریزی کنیم. ایجاد دولت و تمدن‌سازی اسلامی به ارائه تصویری دقیقی از انسان و جامعه اسلامی نیاز دارد تا بتوان با مقایسه وضع موجود و مطلوب، ابتدا به اصلاح مسیر و سپس به طی طریق برای رسیدن به هدف اقدام کرد.

براساس پژوهش انجام‌شده، که حاصل آن به‌صورت کتاب تقدیم حضورتان می‌شود، دو کلیدواژه اساسی برای تعریف انسان مسلمان (انسان تراز) وجود دارد: تقوا و سعی. در نقطه اوج این تعریف نیز مفهومی به نام «مجاهد فی سبیل الله» وجود دارد که همه برنامه‌ریزی‌ها باید برای رسیدن به چنین جایگاهی انجام شود.

جهاد در اصطلاح به معنای «تلاش با تمام توان در مقابله با دشمنان خدا یا گذر از موانع در راه خدا» است. در سال‌های پس از انقلاب و به‌ویژه در دوران دفاع مقدس و پس از آن، پژوهشگران بارها به مفهوم جهاد توجه



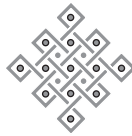
کرده‌اند و آثار متعددی در این زمینه به رشته تحریر درآمده‌است. با وجود این پژوهش‌ها، هنوز پرسش‌های بی‌پاسخ بسیاری باقی مانده‌است. برای مثال، چگونه می‌توان انتظار تلاش جهادی از کسی داشت؟ اساساً چه کسانی می‌توانند به این تلاش دست بزنند؟ آیا در هر موقعیت و موضوعی ایجاد تلاش جهادی ممکن است؟ و نهایتاً پرسش اصلی چنین است: انگیزش جهادی چیست و چگونه می‌توان انگیزش جهادی را در افراد ایجاد کرد؟

انگیزش جهادی مفهومی روان‌شناسانه دارد که به فرهنگ اسلامی وابسته است و بررسی چنین مفهومی نیازمند شناخت ابعاد آن و مفاهیم مرتبط با آن در چهارچوب فرهنگ دینی است. در بین متفکران اسلامی، بیشترین تلاش برای معرفی، تبیین، و تفسیر تلاش جهادی با استفاده از منابع اسلامی را شخص رهبر معظم انقلاب داشته‌اند. بنابراین در این پژوهش دیدگاه‌های ایشان محور کار قرار گرفته و منابع اسلامی از این منظر تحلیل و واکاوی شده‌است.

ان شاء الله، در نوشتارهای بعدی سعی می‌کنیم مباحث را در راستای کاربردی کردن این مفاهیم برای طراحی تمدن اسلامی ادامه دهیم و در هر موردی که لازم است، توضیحات مقتضی را ارائه کنیم.



فصل اول اسلام جهادی



◆ فصل اول: اسلام جهادی

برای آشنایی با مفهوم اسلام جهادی لازم است ابتدا مقدماتی را دربارهٔ انسان‌شناسی از منظر قرآن کریم با هم مرور کنیم و به چند پرسش پاسخ دهیم.

معیار و سنجۀ ارزش انسان‌ها در قرآن

ارزش انسان در اسلام به چه چیزی است و چه معیاری برای مقایسۀ حقیقی انسان‌ها وجود دارد؟ قلۀ انسانیت کجاست و چگونه می‌توان به این نقطه رسید؟

برای درک معیار حقیقی ارزش‌گذاری انسان‌ها در اسلام به آیات قرآن کریم مراجعه می‌کنیم. در قرآن از «تقوا» با عنوان معیار کرامت و ارزشمندی انسان‌ها یاد شده است: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»^۱. تقوا/ از مصدر وقایه

۱. حجرات، ۱۳: «ای مردم، ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. (این‌ها ملاک امتیاز نیست) گرامی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شما است. خداوند دانا و آگاه است.»



و ریشه «و ق ی»، در لغت به معنای «حفظ کردن و نگاه داشتن از بدی و گزند» است. اگرچه معنای دقیقی در زبان فارسی برای تقوا وجود ندارد، ترجمه کاربردی آن رعایت اوامر و نواهی خداوند^۱ یا، به تعبیر دیگر، عمل به طاعت و ترک گناه^۲ است. براساس کارنامه تقوایی در روز حساب، انسان‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند: اصحاب یمین یا ابرار که نتیجه تقوای آنان نعمت اخروی است: «إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ»^۳؛ اصحاب شمال یا فجار که نتیجه بی‌تقوایی‌شان چیزی جز عذاب نیست: «وَأَنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ»^۴؛ و سابقون که در تقوا از دیگران سبقت می‌گرفتند و بهترین جایگاه برای آن‌ها است: «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ ۖ أُولَٰئِكَ الْمُقَرَّبُونَ»^۵.

با توجه به اثر شرایط محیطی و خارج از اختیار انسان در امکان وقوع یک عمل، سنجه‌ای که قرآن برای اندازه‌گیری تقوا در نظر گرفته است میزان تلاش برای انجام دادن آن است: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»^۶؛ یعنی هر انسانی هر قدر تلاش کند که با تقوا زندگی کند، با همان تلاش ارزش‌گذاری خواهد شد و حتی ذره ناچیزی از آن گم نخواهد شد: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ۖ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ»^۷. با این وصف، اگر ترک گناه برای

۱. طباطبائی، محمدحسین (۱۳۹۰ ق)، المیزان، ج ۵، ص ۱۶۳.
۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸ ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۱۸، ج ۲، ص ۸۲۳ و طباطبائی، محمدحسین (۱۳۹۰ ق)، المیزان، ج ۱۹، ص ۲۱۸.
۳. انفطار، ۱۳: «به یقین نیکان در نعمتی فراوان‌اند.»
۴. انفطار ۱۴: «و بدکاران در دوزخ‌اند.»
۵. واقعه، ۱۰ و ۱۱: «و (سومین گروه) پیشگامان پیشگام‌اند. آن‌ها مقربان‌اند.»
۶. نجم، ۳۹: «و این‌که برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست.»
۷. زلزال، ۷ و ۸: «پس هرکس هم وزن ذره‌ای کار خیر انجام دهد آن را می‌بیند. و هرکس هم وزن ذره‌ای کار بد کند آن را می‌بیند.»



کسی سخت‌تر از دیگری باشد یا انجام کار خیر برای کسی زحمتی بیش از دیگری داشته باشد و درنتیجه در این راه تلاش بیشتری به کار ببندد، جزای بیشتری نیز کسب خواهند کرد، چنان‌که در مقایسهٔ اعمال، عمل سخت ثواب بیشتری دارد.^۱

در روایات نیز دربارهٔ ارزش انسان‌ها معیارهایی گفته شده‌است که بی‌شک با همین مباحث قرآنی مرتبط است، ازجمله:

• «قَدَّرَ الرَّجُلُ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ؛ قدر و ارزش هر انسانی به قدر همت او است.»^۲

• «الشَّرَفُ بِالْهَمِّ الْعَالِيَةِ لَا بِالرَّمِّ الْبَالِيَةِ؛ شرف انسان به همت‌های عالی

او است، نه به استخوان‌های پوسیدهٔ نیاکانش.»^۳

• «خَلَقَ الْإِنْسَانَ ذَا نَفْسٍ نَاطِقَةٍ إِنْ زَكَاها بِالْعِلْمِ وَالْعَمَلِ فَقَدْ شَابَهَتْ جَوَاهِرَ

أَوَائِلِ عِلَلِها؛ خداوند انسان را دارای نفس ناطقه آفرید. اگر آدمی آن را با علم و عمل تزکیه کند و بیروrand، با گوهرهای اولیهٔ علت‌هایش (یا ذات عقول مقدسه‌اش) همسان می‌شود.»^۴

• «المرءُ يوزَنُ بقوله و يَقوَّمُ بفعله؛ انسان با گفتارش اندازه‌گیری و با

کردارش ارزش‌یابی می‌شود.»^۵

• «المرءُ ببطئته لا بصورتته المرءُ بهمته لا بقنيتته؛ (ارزش) انسان به هوش او

است، نه به شکل و شمایلش. (ارزش) انسان به همت او است، نه به مال و اندوخته‌اش.»^۶

۱. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق)، بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۱۹۱.

۲. شریف الرضی، محمدبن حسین (۱۳۷۹)، نهج‌البلاغه، حکمت ۴۷.

۳. تمیمی آمدی (۱۴۱۰ ق)، غررالحکم ودرر الکلم، ص ۸۷.

۴. همان، ص ۴۲۳.

۵. همان، ص ۱۰۰.

۶. تمیمی آمدی (۱۴۱۰ ق)، غررالحکم ودرر الکلم، ص ۱۲۵.



• «ابن آدم اشبه شیء بالمعيار إما ناقص بجهل أو راجح بعلم؛ آدمی زاده شبیه‌ترین چیز به ترازو است، اما با نادانی سبک می‌شود و با علم و دانش سنگین می‌گردد.»^۱

• «الناس ابناء ما يحسنون وقدّر كل امرئ ما يحسن فتكلموا في العلم تبين أفذاركم؛ مردم فرزندان آن چیزی هستند که می‌دانند پس سخن بگویند تا قدر و ارزش شما معلوم شود.»^۲

با دقت در مضمون این روایات درمی‌یابیم که همگی این موارد یا از مصادیق سعی و تقوا هستند یا از لوازم آن‌ها. بنابراین برای یافتن مسیر باید قله را پیدا کرد و برای شناخت قله باید بیشترین تلاش را انجام داد. بیشترین تلاش معمولاً در جایی اتفاق می‌افتد که مانعی سخت یا دشمنی سر راه انسان قرار بگیرد. در آن صورت، انسان برای گذر مجبور است تمامی توان خود را صرف آن کار کند. در ادبیات قرآنی به تلاشی که در راه خدا با وجود مانع سخت یا دشمنی انجام می‌گیرد جهاد می‌گویند. قرآن برای این تلاش جایگاه ویژه‌ای قائل است و مجاهدان را بر کسانی که در این شرایط تسلیم شده‌اند یا کنار می‌کشند بسیار افضل دانسته و وعدهٔ اجر عظیم به مجاهدت آن‌ها داده‌است.^۳

۱. حرّانی، ابن شعبه (۱۳۶۳)، تحف العقول، ص ۲۱۲.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق)، الکافی، ج ۱، ص ۱۲۵.

۳. نسا، ۹۴: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتُ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمُ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که در راه خدا گام می‌زنید (و به سفری برای جهاد می‌روید)، تحقیق کنید و برای این که سرمایه ناپایدار دنیا (و غنائمی) به دست آورید، به کسی که اظهار صلح و اسلام می‌کند نگویید «مسلمان نیستی»، زیرا غنیمت‌های فراوانی (برای شما) نزد خدا است. شما قبلاً چنین بودید و خداوند بر شما منت نهاد (و هدایت شدید). پس (به شکرانهٔ این نعمت بزرگ) تحقیق کنید. خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.»